



مهاجم و در اصل در جهت اهداف آنها باشد.

#### انگاره سازی و آگاهی کاذب

«آگاهی کاذب» یکی از شیوه‌ها در جنگ‌های روانی به خصوص در حوزه «دیپلماسی رسانه‌ای» است. در این شیوه اکثر اطلاعات عرضه شده قابلیت استفاده در برنامه ریزی و تفکر مخاطبان را ندارند و بیشتر جنبه صوری و ظاهری دارند.

در جنگ آمریکا و انگلیس علیه عراق نیز این امر محقق شد و اکثر اطلاعات و خبرهای پخش شده مربوط به نمایش نظامیان، شلیک گلوله و حرکت رو به جلوی نیروهای مهاجم بدون نشان دادن مکان‌های اطلاعاتی بود که هیچ گونه امتیازی برای مخاطب در جهت شناخت عمل جنگ، پیامدهای آن، عوارض جانبی آن برای مردم عراق و جهانیان نداشت اما در عین حال هیچ یک از رسانه‌ها نیز متهم به سانسور خبری نشدند.

یکی دیگر از شگردها «کسب وجهه» توسط خبرنگاران و رسانه‌های خبری بود. در این جنگ اکثر رسانه‌ها سعی داشتند با تمهیدات گوناگون مانند تهدیدات، بدی شرایط، حضور مستقیم در درگیری‌ها و یا انعکاس مطالبی برخلاف منافع ظاهری خود، مخاطبان بیشتری را به سمت خویش جلب نمایند و به این ترتیب افکار و اندیشه‌های خود را بر مخاطبان تحمیل کنند.

نکته جالب دیگر این که مخاطبان شاید بتوانند در عرصه‌های داخلی اقدام به تحلیل و تفسیر مطالب خبری کنند ولی در عرصه‌های خارجی، تنها کارشناسان هستند که می‌توانند به تحلیل و تفسیر خبر بپردازند و نشان دهند که رویدادها در زندگی مخاطبان چه تأثیری می‌تواند داشته باشد. اما در جریان تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق اکثر رسانه‌های مطرح دنیا تنها به پخش اخبار و اطلاعات خام بسنده نمودند و در این وادی تخصصی، مخاطبان را و بی برنامه قرار دادند و از سوی دیگر با پخش کامل بیانیه‌های ارتش‌های مهاجم، دیدگاه‌ها و نظرات آنها را بر مخاطبان تحمیل کردند.

«تصویرسازی یا انگاره سازی» یکی دیگر از شیوه‌های جنگ روانی است. در این روش نیروهای مهاجم سعی می‌کنند تصویری مطلوب از خود در اذهان ایجاد نمایند و در مقابل تصویری مخدوش و ناموجه، از نیروهای مدافع در اذهان مخاطبان خلق کنند. برای متفق این هدف، رسانه‌های غربی با پخش کمک‌های ارتش آمریکا و انگلیس به مردم عراق اعم از رساندن مواد غذایی، کمک‌های پزشکی و همچنین شادمانی مردم عراق از حضور آمریکاییان سعی در ایجاد تصویری موجه از مهاجمین داشتند و در مقابل با گورهای دسته جمعی و غیره تصویری خشن از عراق و رژیم حاکم بر آن خلق کردند.

#### بازی در دو نقش

سانسور خبرها توسط ارتش آمریکا و محدودسازی خبرنگاران از شیوه‌های بارز سانسور در این جنگ روانی بود اما انتشار اخبار دروغ همچون اخبار تصرف بصره و فو و مشخص شدن این دروغ پس از چند روز که با عنوان «اخبار متناقض» معروف گردید از دیگر شگردهای جنگ روانی در این مقطع به شمار می‌آید.

استفاده گسترده از رادیوهای برون مرزی به خصوص شش رادیوی ویژه در این عملیات اشغالگری با طول موج‌های کوتاه و متوسط یکی دیگر از شیوه‌های جنگ روانی آمریکا و انگلیس علیه مردم عراق بود. از شیوه‌های تبلیغاتی سیاه در این دوره می‌توان به «رادیو تکریک» اشاره داشت که تا قبل از شروع رسمی جنگ، خود را طرفدار رژیم بعثی عراق معرفی می‌کرد ولی در زمان حمله نظامی نشان داد که رادیویی صدرصد وابسته به آمریکا است.

البته در این راستا پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق هواپیما و یا از سال پست‌های الکترونیکی برای فرماندهان عراقی نیز مؤثر بودند.

پخش ۲۳ میلیون اعلامیه بروی عراق یکی دیگر از شیوه‌های عملیات و جنگ روانی آمریکا و انگلیس

بود. در این راستا مخاطبان اعلامیه‌ها به دو دسته مردم غیر نظامی و نظامیان تقسیم شده بودند که برای هر یک اعلامیه‌های خاص، پخش می‌شد. به طور مثال مردم تشویق می‌شدند که در منازل خود باقی بمانند و یا در ایستگاه‌های بازرسی و بازرسی‌های مهاجم همکاری کنند و در صورت برخورد با نیروهای در مانده مهاجم، آنها را کمک نمایند که به یگان‌های مربوطه خود برگردند. اما برای نظامیان، بیشتر اعلامیه‌های پخش شده اولاً آنها را به زنده ماندن و در کنار خانواده ماندن تشویق می‌کرد و سپس عواقب وخیمی برای مقاومت آنها ترسیم نموده و در نهایت شیوه‌های تسلیم را به آنها نشان می‌داد.

البته جنگ روانی آمریکا و انگلیس نیز یک طرفه نبود. رادیو تلویزیون عراق و برخی شبکه‌های تلویزیونی عربی نظیر الجزیره، العالم، العربیه، ابوطیبی و... در جهت مخالف آنها حرکت کردند. در این راستا این شبکه‌ها به انعکاس تصاویر اسرای آمریکایی از تلویزیون‌های خود پرداختند که پس از این اقدام، مقام‌های انگلیسی و آمریکایی دولت عراق را به عدول از قوانین بین‌المللی متهم کردند و این گونه نشان دادند که این کشور برخلاف قوانین بین‌المللی عمل می‌کند و البته در خصوص حمله غیرقانونی خود به عراق به مخاطبان هیچ نگفتند!

پس از ناکام ماندن ارتش مهاجم در کنترل کامل خبرنگاران و شبکه‌های خبری به خصوص الجزیره آمریکایی‌ها به استفاده از خشونت متوسل شدند که مرحله اول تیراندازی به اتومبیل این شبکه و سپس انهدام کامل دفتر این شبکه توسط موشک بود.

نهایت این جنگ روانی در مقطع تهاجمات

نظامی، وارونه نشان دادن نظرات مردم عراق در سطح جهانی و بهره برداری از آن به نفع خود بود. مردم عراق همانند دیگر مردمان، اشغال کشور خود را نپسندیده و علیه اشغالگران اقدام به تظاهرات نمودند ولی مسئولان آمریکایی و انگلیسی تظاهرات‌های مردمی را امری معمول و بیشتر در اثر خروج از زیر سیطره حکومت دیکتاتوری صدام نشان داده و این گونه القا می‌کردند که در زمان صدام کسی جرأت تظاهرات ضد رژیم را نداشته ولی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به قدری آزادی خواه و دموکرات هستند که اجازه تظاهرات به افراد قلیل مخالفان را نیز می‌دهند و این از برکات و دستاوردهای تهاجم نظامی قلمداد شده و به تصویر کشیده می‌شد و نه مخالفت مردم عراق با حضور اجانب در کشور خودشان.

#### جنگ روانی آمریکا علیه ایران

پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ موج گسترده‌ای از حملات لفظی تند و افراطی از سوی برخی سیاستمداران و گروه‌های متنفذ آمریکا علیه چند کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. از مهم‌ترین این گروه‌ها که در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده صاحب نفوذ هستند، نومحافظه کاران می‌باشند.

اعضای این جناح، مشی سخت‌افزاری را در عرصه نظام بین‌الملل در مقابل برخی از کشورها که از نظر آنان «محور شرارت» محسوب می‌شوند، الزامی می‌دانند. نشوونما (بازها) حوادث یازدهم سپتامبر را بهترین فرصت برای تحقق ساختار تک قطبی بین‌الملل تلقی کرده و بر این باورند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اسلام سیاسی که جمهوری اسلامی ایران نماد